



Ownership Stakes and Remuneration in Merged Audit Firms

Shahla Torkani¹, Fakhroddin Mohammadrezaei²

Received: 2023/07/24

Approved: 2023/09/09

Research Paper

Abstract:

Little is known about the governance systems of audit firms, especially after mergers. Considering the prevalence of audit firms' mergers in Iran over the last few years and the failure of several mergers, the present qualitative study addresses two challenging governance issues: determining ownership stakes and allocating profits and benefits between partners of merged audit firms. Content analysis of in-depth interviews with 28 partners from several merged audit firms revealed that when the merging firms have similar conditions, ownership stakes are divided equally; otherwise, the larger acquiring firm receives a larger percentage. At the individual partner level, the most commonly implemented method is to divide the shares of the merged firm according to the percentage of shares held by each partner in the pre-merger firms. Other approaches include: a comprehensive model, equal distribution of new stakes, more stakes for acquiring firm's partners, and assigning the majority of shares to a select group of main partners (senior and founding) based on their decision. Six firms shared profits by ownership stakes, three used a hybrid approach (performance and ownership), and two used stakes for principals and fixed salaries for non-principals. Such findings are contrary to the prevailing trend observed in audit firms worldwide, where there has been a shift from equal profit sharing and sharing based solely on partners' ownership stake to a hybrid approach incorporating performance-based criteria alongside ownership stake. The results of this research, which sheds light on the governance system of merged audit firms and the interests of partners, have important implications for both audit firms and professional supervisory bodies. Specifically, these findings can help to create and maintain the motivation of audit partners in professional partnerships, ultimately contributing to the success of the merger in practice.

Key Words: Audit Firm Mergers; Ownership Stakes; Audit Partner Compensation; Profit Sharing.

 10.22034/JPAR.2023.2007781.1191

1. Ph.D. Student in Accounting, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
sh_torkani@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Finance, Kharazmi University, Tehran, Iran.
(Corresponding Author) fakhroddin.mr@gmail.com
<http://article.iacpa.ir>

سهام‌الشرکه و توزیع منافع در مؤسسات حسابرسی ادغامی

شهلا ترکانی^۱، فخرالدین محمدرضایی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۸

مقاله پژوهشی

چکیده:

دانش کمی در مورد سیستم حاکمیتی مؤسسات حسابرسی به‌ویژه مؤسسات حسابرسی ادغام شده وجود دارد. باتوجه‌به داغ‌شدن تنور ادغام مؤسسات حسابرسی در ایران طی چند سال اخیر و شکست چندین ادغام، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی به مطالعه دو مورد از چالش‌برانگیزترین موضوعات سیستم حاکمیتی یعنی چگونگی تعیین سهام‌الشرکه و تقسیم سود و پاداش بین شرکای مؤسسات حسابرسی ادغام شده می‌پردازد. بینش‌های حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه‌های عمیق با شرکای مؤسسات حسابرسی ادغامی (۲۸ مصاحبه)، بیانگر آن است که زمانی که دو مؤسسه درگیر ادغام شرایط یکسانی دارند، تقسیم سهام‌الشرکه بین دو مؤسسه حسابرسی مساوی است و در غیر این صورت اغلب مؤسسه ادغام‌کننده به‌عنوان مؤسسه بزرگ‌تر، درصد سهام‌الشرکه بیشتری را تصاحب می‌کند. در مورد چگونگی تقسیم سهام‌الشرکه در سطح شرکای حسابرسی، تقسیم سهام‌الشرکه به نسبت درصدهای سهام‌الشرکه هر شریک قبل از ادغام بیشترین تکرار و اشکال دیگر شامل تقسیم سهام‌الشرکه بر اساس یک مدل جامع، تقسیم سهام‌الشرکه به طور مساوی، تخصیص سهام‌الشرکه بیشتر برای شرکای مؤسسه ادغام‌کننده و تخصیص اکثریت سهام‌الشرکه با نظر چند شریک اصلی به خود این شرکا صورت گرفته است. هم‌چنین، تقسیم منافع در شش مؤسسه بر اساس درصد سهام‌الشرکه، سه مؤسسه بر اساس رویکرد ترکیبی (عملکرد و درصد سهام‌الشرکه) و دو مؤسسه برای شرکای اصلی بر اساس درصد سهام‌الشرکه و شرکای غیراصلی فقط حقوق ثابت صورت می‌گیرد. چنین یافته‌هایی بر خلاف تغییر جریان تقسیم سود مساوی و مبتنی بر سهام‌الشرکه به رویکرد ترکیبی تقسیم منافع (عملکرد و درصد سهام‌الشرکه) در مؤسسات حسابرسی در سطح جهانی است. یافته‌های این پژوهش، با باز کردن جعبه سیاه سیستم حاکمیتی مؤسسات حسابرسی ادغامی در بعد منافع شرکا، دستاوردهایی برای مؤسسات حسابرسی و نهادهای ناظر حرفه در راستای ایجاد و حفظ انگیزه شرکای حسابرسی در شراکت حرفه‌ای و نهایتاً موفقیت ادغام در عمل، به همراه دارد.

واژه‌های کلیدی: ادغام مؤسسات حسابرسی، سهام‌الشرکه، پاداش شرکای حسابرسی و تقسیم سود

doi 10.22034/IPAR.2023.2007781.1191

sh_torkani@yahoo.com

fakhroddin.mr@gmail.com

http://article.iacpa.ir

۱. دانشجوی دکتری حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم مالی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۱- مقدمه

قانون‌گذاران و نهادهای ناظر حسابداری (ASIC 2014؛ PCAOB 2011؛ EC 2010؛ SEC 2002) به تبع شکست‌های بزرگ حسابداری (از جمله ورشکستگی انرون و فروپاشی مؤسسه حسابداری آرتور اندرسن) و عدم اطمینان به بازار مالی در دوران بحران مالی، خواستار شفافیت و افشای بیشتر در زمینه حاکمیت داخلی مؤسسات حسابداری شدند (هدارات، ۲۰۱۳). قانون‌گذاران معتقدند شفافیت بیشتر در حاکمیت داخلی مؤسسات حسابداری، به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی مؤسسات حسابداری و فعالان بازار سرمایه کمک می‌کند، خدمات حسابداری باکیفیت را حفظ می‌کند و در نهایت ثبات بازار سرمایه را برقرار می‌کند (الینگر، ۲۰۱۰؛ دیومز و همکاران، ۲۰۱۲). گزارش‌های شفافیت مؤسسات حسابداری، اطلاعات خاص مربوط به حاکمیت داخلی مؤسسات حسابداری شامل اطلاعاتی مانند ساختار حقوقی و مالکیت مؤسسات حسابداری، سیستم‌های کنترل داخلی و حق الزحمه شریک ارایه می‌شود، اما به این اطلاعات محدود نمی‌شود (لاروسا و همکاران، ۲۰۱۹). اخیراً شورای گزارشگری مالی بریتانیا^۱ در سال ۲۰۱۶ در گامی فراتر از گزارش‌های شفافیت مؤسسات حسابداری، دستورالعمل حاکمیت شرکتی مؤسسات حسابداری^۲ را تصویب کرد. اهداف اصلی کد حاکمیت شرکتی مؤسسات را، ارتقای کیفیت حسابداری، کمک به مؤسسات حسابداری در راستای افزایش اعتبار خود و کاهش ریسک شکست مؤسسات حسابداری بیان نمودند.

علی‌رغم ادبیات روبه‌رشد حسابداری، هنوز در زمینه ابعاد حاکمیت مؤسسات حسابداری اطلاعات شفاف و قابل اتکایی در دسترس نیست. به عبارت دقیق‌تر، ادبیات مرتبط با حاکمیت شرکتی، بیشتر بر شرکت‌های با مسیولیت محدود مانند شرکت‌های سهامی عام متمرکز است و سایر ساختارهای حاکمیت مانند شراکت حرفه‌ای، تقریباً نادیده گرفته شده است (گرین‌وود و ایمپسون، ۲۰۰۳). دی فاند و ژانگ (۲۰۱۴) خواستار پژوهش‌های آتی در مورد ویژگی‌های مؤسسات حسابداری مانند انتخاب ساختار مالکیت، سیستم‌های حاکمیتی، سیستم‌های کنترل کیفیت حسابداری و طرح‌های جبران خدمات شرکا است. همچنین پیشینه پژوهش تا حد زیادی درباره رسیدگی به مسایل کنترل، مشوق‌ها و انگیزه‌ها در مؤسسات خدمات حرفه‌ای ساکت مانده است (برک و همکاران، ۲۰۲۱).

مطابق ادبیات گسترده حاکمیت شرکتی و یافته‌های هارلاچر و رهلین (۲۰۱۴)، مفهوم حاکمیت دارای سه بعد اصلی، منافع، حقوق کنترلی و پاسخگویی است. در سیستم‌های مختلف حاکمیت مؤسسات حسابداری، سازوکارهای تعیین و توزیع منافع شرکا شواهد بسیار ناچیزی وجود دارد (نکل و همکاران، ۲۰۱۳، برک و همکاران، ۲۰۲۱). پژوهش‌های موجود (لنوکس و همکاران، ۲۰۲۰؛ دانارو و همکاران، ۲۰۲۱؛ وان‌دنهاوت و هاردیس، ۲۰۲۲) هم هر کدام به یک جنبه از این مزایا و فقط بر پیامدهای آنها بر کیفیت حسابداری پرداخته‌اند. در این راستا، برک و همکاران (۲۰۲۱) بیان می‌کنند که ما نتوانستیم نحوه تقسیم سود میان شرکای مسن‌تر و جوان‌تر را تشخیص بدهیم و نکل و همکاران (۲۰۱۳) تاکید می‌کند که شواهد ناچیزی درباره چگونگی تعیین کارانه شرکا، وجود دارد.

نبود دانش کافی نه تنها در مورد ابعاد حاکمیت مؤسسات حسابرسی مشهود است، بلکه در ارتباط با فرایند ادغام مؤسسات حسابرسی و چگونگی تعیین و توزیع منافع بین شرکا در مرحله ادغام، تقریباً دانشی در دسترس نیست. فیر کلاو و فیر کلاو (۲۰۱۲) بیان می‌کنند که دلیل و نحوه ادغام و تملک مؤسسات حسابرسی به خوبی درک نشده است. اگرچه شواهد نشان داده‌اند که ادغام و تملک عاملی مهم در شکل‌گیری مؤسسات حسابرسی بزرگ است (ووتون و همکاران، ۲۰۰۳)، ولی پژوهش‌های انجام‌گرفته در زمینه ادغام و تملک مؤسسات حسابرسی محدود بوده است (امپسون ۲۰۰۰؛ اودوایر، ۱۹۹۵). ادغام مؤسسات حسابرسی بزرگ بین‌المللی در دهه ۱۹۸۰، بستر مناسبی برای پژوهش‌های محققان در ارتباط با این پدیده نوع ظهور فراهم آورده است. کاوش ادبیات پژوهشی مرتبط با ادغام نشان می‌دهد که این ادبیات در سه جریان مجزا توسعه یافته‌اند، پژوهش‌های مرتبط با مرحله پیش از ادغام، مرحله ادغام و پس از ادغام، پژوهش‌های مرتبط با مرحله قبل از ادغام که تمرکز اصلی‌شان بر محرک و موانع ادغام مؤسسات حسابرسی است، بسیار ناچیز هستند. در ارتباط با مرحله ادغام هم پژوهش‌های ناچیزی (گرینوود و همکاران، ۱۹۹۴؛ آشکانسی و هولمز، ۱۹۹۵) در دسترس است. این دو جریان نحیف و نارس از پژوهش‌ها اغلب ماهیت کیفی و اکتشافی و مطالعه موردی، دارند. جریان مرتبط با پیامدهای ادغام مؤسسات حسابرسی بیشترین تمرکز محققان را به خود جلب کرده (آی و همکاران، ۲۰۲۲، هی و همکاران، ۲۰۲۲، کیتو، ۲۰۲۳، کریستنسن و همکاران، ۲۰۲۳) و شواهد ناچیزی در مورد دلایل شکست ادغام‌ها در دسترس است. بنابراین، با توجه به متمایز بودن ساختار حاکمیت مؤسسات حسابرسی با شرکت‌های تجاری به شکلی که مالکان (شرکای دارای سهم) علاوه بر سهام‌داران مؤسسه، کارکنان آن نیز هستند؛ آگاهی از سازوکارهای حاکمیت مؤسسه در بعد منافع شرکا برای تعیین درصد مالکیت (سهم‌الشرکه) و چگونگی محاسبه جبران خدمات شرکا و تقسیم سود در راستای ایجاد و حفظ انگیزه شرکای حسابرسی در شراکت حرفه‌ای و نهایتاً موفقیت ادغام بسیار حیاتی است (دی فاند و ژانگ، ۲۰۱۴؛ برک و همکاران، ۲۰۲۱). این موضوع بسیار مهم است؛ چرا که توزیع ناعادلانه منافع بین شرکای مؤسسات حسابرسی به‌ویژه در فاز ادغام می‌تواند فعالیت ادغام را به شکست بکشاند (کیهانی، ۱۳۹۹).

در ایران نیز با اجرایی‌شدن دستورالعمل رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی از سال ۱۳۹۱ و تخصیص بالاترین رتبه (طبقه اول) به مؤسسات حسابرسی بزرگ و محول کردن حسابرسی شرکت‌های بزرگ بورسی به این مؤسسات، انگیزه برای ادغام مؤسسات حسابرسی فراهم گردید (کیهانی، ۱۳۹۹). هم‌چنین، معاف‌شدن مؤسسات حسابرسی دارای ۲۰ شریک و بیشتر از تغییر اجباری می‌توانست یکی دیگر از انگیزه‌های ادغام مؤسسات حسابرسی در بازار حسابرسی ایران باشد. به عبارت دیگر، مؤسسات کوچک و متوسط، سریع‌ترین راهکار برای بزرگ‌شدن و تبدیل شدن به مؤسسات حسابرسی معتمد بورس طبقه اول را ادغام با مؤسسات دیگر می‌دانستند. هم‌چنین، جامعه حسابداران رسمی ایران سعی کرده است با صدور و اعمال برخی دستورالعمل‌ها زمینه افزایش کیفیت خدمات حسابرسی آرایه شده توسط مؤسسات حسابرسی تحت نظارت خود را

افزایش دهد. یکی از این اقدامات، تشویق مؤسسات حسابرسی به ادغام جهت تشکیل مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر به‌منظور به افزایش شایستگی و استقلال مؤسسات حسابرسی است (آقایی قهی و همکاران، ۱۳۹۹)؛ بنابراین، ادغام مؤسسات حسابرسی در ایران از سال ۱۳۹۴ شروع شده و تاکنون ۲۳ مؤسسه ادغامی تشکیل شده و درعین حال، ۸ مورد شکست رخ داده است که درصد بسیار بالایی است. در چنین فضایی، پژوهش حاضر به دنبال مطالعه چگونگی تعیین و تقسیم سهم‌الشرکه در زمان ادغام و توزیع پاداش و سود بین شرکای حسابرسی به‌عنوان دو مورد از چالش‌برانگیزترین موارد در توفیق یا شکست ادغام مؤسسات حسابرسی است.

به‌منظور رسیدن به اهداف پژوهش، ابتدا به طور نظری سیستم حاکمیتی مؤسسات حسابرسی، شامل منافع، حقوق کنترلی و پاسخ‌گویی (تعهدات)، برجسته شدند. منافع اصلی در سیستم حاکمیتی مؤسسات حسابرسی شامل سهم‌الشرکه، پاداش و تقسیم سود و ارتقا است. در این پژوهش ارتقا بررسی نشد، چرا که ارتقا در مرحله ادغام مطرح نیست و معمولاً بعد از چندین سال از زمان ادغام، مطرح می‌گردد. بدین منظور، دو سؤال اصلی مطرح گردید. ۱. سهم‌الشرکه در زمان ادغام چگونه بین مؤسسات حسابرسی درگیر ادغام و شرکای آن‌ها توزیع می‌گردد؟ و ۲. چگونه پاداش و سود بین شرکا تقسیم می‌گردد؟ به‌منظور دستیابی به هدف اول پژوهش، مصاحبه‌های عمیق با شرکای مؤسساتی که ادغام داشته‌اند (۲۸ مصاحبه)، صورت گرفت است و بینش‌های حاصل از مصاحبه‌ها از طریق تحلیل محتوا استخراج گردید.

پژوهش حاضر دانش‌افزایی قابل توجهی برای ادبیات پژوهشی ادغام مؤسسات حسابرسی و سیستم حاکمیتی آن‌ها دارد. اول، تاکنون هیچ شواهدی در ارتباط با تقسیم سهم‌الشرکه بین دو مؤسسه درگیر ادغام در دسترس نیست. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که زمانی که دو مؤسسه شرایط یکسانی دارند، تقسیم سهم‌الشرکه بین دو مؤسسه مساوی است و در غیر این صورت اغلب مؤسسه ادغام‌کننده به‌عنوان مؤسسه بزرگ‌تر، درصد سهم‌الشرکه بیشتری را تصاحب می‌کند. دوم، در بحث تعیین سهم‌الشرکه بین شرکای حسابرسی فقط در دو مورد نحوه تخصیص با مطالعه در آکسو و دمیرکان (۲۰۱۸) مطابقت دارد، یعنی تخصیص بر اساس یک مدل جامع بر اساس ویژگی‌های شرکا، صورت گرفته است. پژوهش حاضر، اشکال بدیعی از توضیح سهم‌الشرکه بین شرکا مانند تخصیص بر اساس سهم‌الشرکه شرکا قبل از ادغام (بیشترین تکرار)، تخصیص سهم‌الشرکه بیشتر به شرکای مؤسسه ادغام‌کننده، تقسیم مساوی سهم‌الشرکه و تخصیص اکثریت سهم‌الشرکه به چند شریک اصلی مستند شده است. در ارتباط با چگونگی تعیین پاداش و تقسیم سود ادبیات پژوهشی در ارتباط با دو رویکرد تقسیم فقط سود و طرح ترکیبی تقسیم سود و پاداش شواهدی را مستند کرده است مانند (لنوکس و همکاران، ۲۰۲۰). اما پژوهش حاضر با ارائه اشکال مختلفی از تقسیم سود و تخصیص پاداش به شرکای حسابرسی موجب بسط ادبیات پژوهشی شده است. طرح‌های مختلفی همچون طرح فقط پاداش مبتنی بر عملکرد و در برخی مؤسسات حسابرسی طرح چندگانه (تقسیم سود برای شرکای اصلی و پرداخت فقط حقوق ثابت برای شرکای غیراصلی) مستند شده است.

۲- پس‌زمینه، مبانی نظری و مرور پیشینه

۲-۱- ادغام در بازار حسابرسی ایران

بازار حسابرسی ایران دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که یک فضای پژوهشی جالب و غنی برای مطالعه، سازوکار تعیین سهم‌الشرکه و جبران خدمات شرکای درگیر در فاز ادغام از بعد سازوکارهای حاکمیت شرکتی فراهم می‌کند. در بازار حسابرسی ایران، مؤسسات حسابرسی بین‌المللی فعالیت نمی‌کنند، رقابت در بازار حسابرسی بالاست، مشوق‌های طرف تقاضا و عرضه برای خدمات حسابرسی باکیفیت، به اندازه کافی نیستند (محمدرضایی و همکاران، ۲۰۱۸). در چنین فضایی جامعه حسابداران رسمی ایران سعی کرده است با صدور و اعمال برخی دستورالعمل‌ها زمینه افزایش کیفیت خدمات حسابرسی ارایه شده توسط مؤسسات حسابرسی تحت نظارت خود را افزایش دهد. یکی از این اقدامات، تشویق مؤسسات حسابرسی به ادغام جهت تشکیل مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر به منظور به افزایش شایستگی و استقلال مؤسسات حسابرسی است (آقایی قهپی و همکاران، ۱۳۹۹)؛ بنابراین، ادغام انجام شده در چنین فضایی، ادغام دو یا چند مؤسسه محلی است. در حالی که اغلب پژوهش‌های قبلی در این حوزه، ادغام مؤسسات بزرگ را مطالعه کرده‌اند. از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۹، تعداد ۵۵ مؤسسه درگیر ادغام شده‌اند و ماحصل آن تشکیل ۲۳ مؤسسه پس از ادغام است. این در حالی است که تا سال ۱۴۰۲ تعداد هشت مؤسسه حاصل از ادغام در جدول (۱)، از همدیگر جدا شده‌اند (سه مورد ادغام از مؤسسات حسابرسی بزرگ و پنج مورد ادغام مؤسسات حسابرسی متوسط به شکست انجامیده است). لازم به ذکر است که اغلب مؤسسات ادغام شده پس از ادغام به دلیل بزرگ‌شدن، تبدیل به مؤسسات حسابرسی طبقه اول شده‌اند و فقط چهار مؤسسه پس از ادغام علی‌رغم این که جز مؤسسات معتمد بورس هستند جز حسابربان طبقه اول نیستند. این موضوع می‌تواند بیانگر آن باشد که تبدیل شدن به مؤسسه حسابرسی معتمد بورس طبقه اول، یکی از مهم‌ترین مشوق‌ها برای ادغام در ایران است. جدول (۱) خلاصه‌ای از ادغام مؤسسات حسابرسی در ایران را نشان می‌دهد.

جدول (۱): ادغام مؤسسات حسابرسی در ایران

ردیف	سال	تعداد مؤسسات حسابرسی ادغام شده	تعداد مؤسسات حسابرسی پس از ادغام
۱	۱۳۹۴	۹	۳
۲	۱۳۹۵	۱۱	۴
۳	۱۳۹۶	۱۵	۷
۴	۱۳۹۷	۱۲	۵
۵	۱۳۹۸	۲	۱
۶	۱۳۹۹	۶	۳
	جمع	۵۵	۲۳

*منبع: جامعه حسابداران رسمی ایران

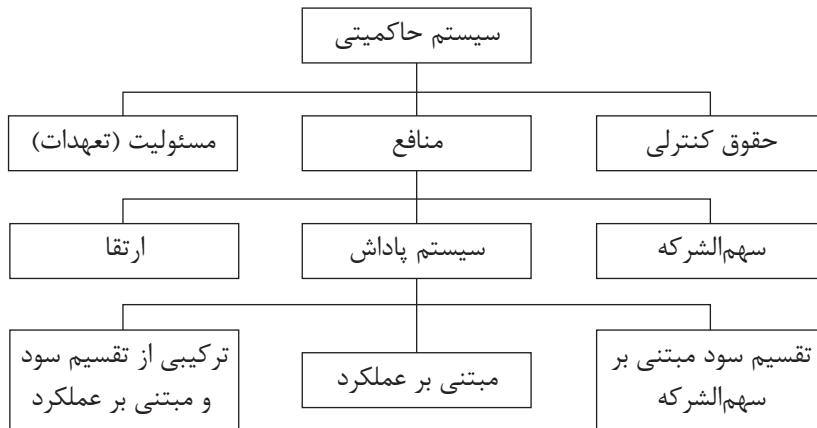
۲-۲- مفهوم حاکمیت در مؤسسات حسابرسی و ابعاد آن

«حاکمیت به ترتیباتی اشاره دارد که مشخص می‌کند سازمان در راستای منافع چه کسی باید کنترل شود» (گرین‌وود و ایمپسون، ۲۰۰۳، ۹۱۲). مفهوم حاکمیت دارای سه بعد اصلی؛ منفعت، قدرت و مسیولیت‌پذیری است (ملون، ۱۹۹۵). به عبارت دیگر: شرکت به چه منظور و به نفع چه کسی عمل می‌کند؟ چه کسی فعالیت‌های شرکت را تعیین و کنترل می‌کند؟ و چه کسی مسیول عواقب این اقدامات است (ایمپسون، ۲۰۱۲، ۳)؟ در حالی که این مفهوم مطابق ادبیات گسترده حاکمیت شرکتی و یافته‌های هارلاچر و ره‌لین (۲۰۱۴) دارای سه بعد اصلی؛ منافع، حقوق کنترلی و پاسخ‌گویی است.

علی‌رغم ادبیات روبه‌رشد حسابرسی، هنوز در زمینه ابعاد حاکمیت مؤسسات حسابرسی اطلاعات شفاف و قابل اتکایی در دسترس نیست. به عبارت دقیق‌تر، ادبیات مرتبط با حاکمیت شرکتی، بیشتر بر شرکت‌های با مسیولیت محدود مانند شرکت‌های سهامی عام متمرکز است و سایر ساختارهای حاکمیتی مانند شراکت حرفه‌ای (مانند مؤسسات حسابرسی با مسیولیت تضامنی)، تقریباً نادیده گرفته شده است (گرینوود و ایمپسون، ۲۰۰۳). ساختار شراکت حرفه‌ای در مؤسسات خدمات حرفه‌ای، یک سیستم حاکمیتی است که شرکا را برای حفظ استانداردهای کیفیت در سطح کارهای هریک از شرکا و توجه به کیفیت کار شرکای دیگر تشویق می‌کند؛ چرا که هریک از شرکا در ریسک اعمال شرکای دیگر قرار دارند که می‌تواند منجر به ایجاد تعهدات مالی و قانونی برای شرکت شود (گرینوود و ایمپسون، ۲۰۰۳).

مبانی نظری حاکمی از آن است که تقسیم سود، مشارکت در مدیریت مؤسسه، مسیولیت نامحدود، وسوسه مالکیت ناشی از شراکت حرفه‌ای به متخصصان انگیزه داده است تا دانش و روابط خود با مشتریان را در راستای منافع مؤسسه به اشتراک گذاشته و نظارت بر خود و کنترل هم‌پیشگان را تشویق کنند که به کاهش مسیولیت‌گریزی و تضمین کیفیت خدمات می‌انجامد (ایمپسون و چپمن، ۲۰۰۶؛ گرینوود و ایمپسون، ۲۰۰۳). توسعه سالم بازارهای مالی کاملاً به سطح شفافیت در مورد مسایل مربوط به حاکمیت شرکتی بستگی دارد (OECD، ۲۰۱۵؛ کومار و زاتونی، ۲۰۱۴؛ مالین، ۲۰۰۲) لذا از همه بازیگران اصلی از جمله مؤسسات حسابرسی انتظار می‌رود که با پذیرش مسیولیت در قبال جامعه که لازمه آن رعایت منافع عمومی در ارائه خدمات اطمینان‌بخشی است، با اتخاذ سازوکارها و مکانیزم‌های مناسب برای حاکمیت شرکتی خود به ارتقای کیفیت حسابرسی تلاش کنند.

بنابراین، نبود دانش کافی نه تنها در مورد اجزای حاکمیتی مؤسسات حسابرسی مشهود است، بلکه یک شکاف دانشی بزرگ در مورد استراتژی‌های تعیین منافع شرکا در مؤسسات حسابرسی وجود دارد (نکل و همکاران، ۲۰۱۳؛ برک و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین ما یک تصویر و چارچوبی از منافع شرکای مؤسسات حسابرسی در نگاره (۱) ارائه می‌دهیم. در یک شراکت حرفه‌ای، سیستم حاکمیت از بعد منافع شرکای مؤسسه حسابرسی شامل سه جزء: درصد سهم‌الشرکه، سیستم پاداش‌دهی و سیستم ارتقا است.



نگاره (۱): چارچوب حاکمیت مؤسسات حسابرسی

۲-۳- مرور پیشینه

۲-۳-۱- ادغام مؤسسات حسابرسی

ادغام مؤسسات حسابرسی بزرگ بین‌المللی در دهه ۱۹۸۰، بستر مناسبی را برای پژوهش محققان در ارتباط با این پدیده نوظهور فراهم آورده است. کاوش ادبیات پژوهشی مرتبط با ادغام نشان می‌دهد که این ادبیات در سه جریان مجزا توسعه یافته‌اند، پژوهش‌های مرتبط با مرحله پیش از ادغام، مرحله ادغام و پس از ادغام. تمرکز اصلی پژوهش‌های مرتبط با مرحله قبل از ادغام که بر محرک و موانع ادغام مؤسسات حسابرسی است. در ارتباط با محرک‌ها، شواهد ناچیز و آن هم عمدتاً از نوع حکایتی موجود است؛ مانند محامی (۱۳۹۵) و کیهانی (۱۳۹۹). رحمانی و اروجه (۱۳۹۰)، شواهد پژوهشی در ارتباط با موانع تشکیل مؤسسات حسابرسی بزرگ در ایران از طریق ادغام فراهم کرده‌اند.

در حوزه پژوهش‌های مرتبط با مرحله ادغام نیز، پژوهش‌های ناچیزی که اغلب ماهیت کیفی و اکتشافی و مطالعه موردی دارند، در دسترس هست؛ مانند گرینوود و همکاران (۱۹۹۴) به اهمیت «تناسب سازمانی» در ادغام مؤسسات حسابرسی می‌پردازد. در این راستا، آشکانسی و هولمز (۱۹۹۵) شواهدی برای پشتیبانی از یک مدل چهارمرحله‌ای فرایند ادغام شامل ایجاد یک دوره شوک، عقب‌نشینی و سپس انطباق سریع و تغییر را فراهم می‌کند. نتایج پژوهش ترکانی و همکاران (۱۴۰۰) بر اساس ارزیابی ادغام مؤسسات از جنبه‌های فیزیکی، رویه‌ای و عملیاتی، نشان می‌دهد که اکثر ادغام‌های صورت‌گرفته در ایران از نوع شکلی (سمبلیک) هستند.

بیشترین و قابل‌اتکاترین شواهد موجود در مورد ادغام مؤسسات حسابرسی در مورد پیامدهای ادغام این مؤسسات است. این مطالعات نقش ادغام مؤسسات حسابرسی بر عواملی چون کیفیت حسابرسی، حق‌الزحمه حسابرسی، بازار خدمات حسابرسی، کارایی حسابرسی و تأخیر در گزارش حسابرسی مورد مطالعه قرار داده‌اند (دینگ و جیا، ۲۰۱۲؛ چوی و همکاران، ۲۰۱۷؛ کاهان و همکاران، ۲۰۲۱؛ آی

و همکاران، ۲۰۲۲؛ هی و همکاران، ۲۰۲۲؛ کیتو، ۲۰۲۳؛ کریستنسن و همکاران، ۲۰۲۳). نتایج پژوهش محمدرضایی و همکاران (۱۴۰۱) نشان می‌دهد که ادغام شکلی میان مؤسسات حسابرسی نه تنها باهدف سوداگری و افزایش سهم بازار صورت گرفته، بلکه تنها منتفع این رویداد مؤسسات حسابرسی درگیر ادغام بوده‌اند و صاحب‌کاران و سهام‌داران از بابت دریافت گزارش حسابرسی به‌موقع منتفع نگردیده‌اند. در ارتباط با دلایل شکست ادغام، سینکین و پوتنی (۲۰۰۹) مهم‌ترین دلایل شکست ادغام در مؤسسات حسابرسی را عدم تمایل شرکای هر دو طرف برای انطباق با رویه‌های جدید، عدم توافق بر سر نام مؤسسه ایجاد شده پس از ادغام، فرهنگ متفاوت شرکت‌های درگیر ادغام، انجام تغییرات سریع، ظرفیت ناکافی مؤسسه ادغام‌کننده، انتقال نامناسب کارکنان، برنامه‌ریزی ضعیف دوره گذار، بی‌صبری یا بی‌طاقتی و ارتباط ضعیف بین تیم‌های مدیریتی بیان می‌کند. خلاصه این که مرور پیشینه نشان می‌دهد که تاکنون دانشی در زمینه چگونگی تعیین و توزیع سهم‌الشرکه و جبران خدمات بین شرکا در مرحله ادغام مؤسسات حسابرسی در دسترس نیست.

۲-۳-۲ منافع شرکای مؤسسات حسابرسی

لنووکس و همکاران (۲۰۲۰) بیان می‌کند که در بیشتر کشورهای، داده‌های مرتبط با درصد سهام‌داری هریک از شرکا، در دسترس نیست. آکسو و دمیرکان (۲۰۱۸) پیش‌بینی می‌کنند که شرکای با سهم مالکیت بیشتر در مؤسسه حسابرسی به طور معمول، دوره تصدی طولانی‌تر و نقش راهبری در مؤسسه حسابرسی خود دارند؛ در مؤسسات چهار بزرگ یا سایر مؤسسات حسابرسی که نیاز به مجوزهای خارجی دارند، فعالیت داشته‌اند؛ آنها سابقه حسابرسی طولانی‌تر، تخصص بیشتر و شهرت حرفه‌ای بیشتر و نهایتاً با ریسک دادخواهی بالاتری روبرو هستند. آکسو و دمیرکان (۲۰۱۸) تأکید می‌کنند که درصد مالکیت شریک به تدریج با افزایش دوره تصدی و عملکرد شریک، افزایش پیدا می‌کند. اما شرکای جوان (مسیول کار) درصد مالکیت کمتری در مؤسسات حسابرسی دارند. در این راستا آماره‌های توصیفی לנוوکس و همکاران (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که درصد سهام‌داری شرکای ناظر ۳۱٪، و شرکای جوان (مسیول کار) ۱۵٪ است. آکسو و دمیرکان (۲۰۱۸) و לנוوکس و همکاران (۲۰۲۰) شواهدی فراهم کردند که درصد مالکیت بیشتر شرکا، رابطه مثبتی با کیفیت حسابرسی دارد. همچنین یافته‌های پژوهش واندن‌هاوت و هاردیس (۲۰۲۲) حاکی از آن است که مشوق‌های مالکیت سهام به طور قابل توجهی بر رفتار شرکای حسابرسی و کیفیت حسابرسی تأثیرگذار است. مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که در مورد نحوه تعیین درصد مالکیت و چگونگی افزایش یا کاهش آن به‌مرور زمان، دانشی در دسترس نیست.

ابود (۱۹۹۰) بیان می‌کند انتقاد بدیهی که بر روش‌های تقسیم مساوی سود وارد شده، عدم وجود انگیزه فردی است. به دلیل اینکه پاداش شرکا تحت تأثیر بهره‌وری آنها قرار نمی‌گیرد، شرکا تشویق به تلاش کمتر می‌شوند که ممکن است به عملکرد کل شراکت لطمه بزند. شواهد قابل توجهی مبنی بر فاصله گرفتن مؤسسات حسابداری و حسابرسی بزرگ از رویکردهای تقسیم سود مساوی وجود دارد (بروز و بلک، ۱۹۹۸؛ هولمز و زیمر، ۱۹۹۸؛ نکل، نایمی و زرنی، ۲۰۱۳؛ فو و

همکاران، ۲۰۱۵). طرح‌های تقسیم سود مرحله‌ای^۴ اغلب در مؤسسات حسابرسی بیشتر کشورها (لنووکس و همکاران، ۲۰۲۰؛ کورام و رابینسون، ۲۰۱۷؛ بروز و بلک، ۱۹۹۸؛ هولمز وزیمر، ۱۹۹۸) مورد استفاده قرار می‌گیرد که معمولاً ترکیبی از سود سهام و پرداخت مبتنی بر عملکرد (کارانه) است. به عبارت دیگر، شرکای دارای سهم، علاوه بر درصد مالکیت خود، بر مبنای عملکردشان در سود مؤسسه سهم می‌شوند. شرکا معمولاً بر مبنای معیارهای مهمی از جمله حق‌الزحمه‌هایی که کسب کرده‌اند، مشتریان جدیدی که به مؤسسه آورده‌اند، و سهمی که در توسعه مؤسسه داشته‌اند، ارزیابی می‌شوند. شراکت‌ها از توافقات تقسیم سود برای پاداش دادن به عملکرد خوب شرکا استفاده می‌کنند. باین حال، نکل و همکاران (۲۰۱۳) بیان می‌کنند که شواهد محدودی درباره نحوه تعیین کارانه شرکا وجود دارد. در این راستا، برک و همکاران (۲۰۲۱) بیان می‌کنند که ما نتوانستیم نحوه تقسیم سود میان شرکای مسن‌تر و جوان‌تر را تشخیص دهیم.

چهار مؤسسه حسابرسی بزرگ به طور تاریخی از سیستم ارتقای «ارتقا کن یا برو»^۵ استفاده می‌کنند (والدمن، ۱۹۹۰). مطابق این سیستم، کارکنانی که در مدت‌زمان معینی نتوانند شریک شوند، باید مؤسسه را ترک کنند (هارلاچر و رهلین، ۲۰۱۴). اما در سال‌های اخیر مؤسسات حسابرسی تغییراتی در مسیر شغلی کارکنان ایجاد کرده‌اند تا از خروج بیشتر افراد باتجربه از طریق ایجاد سمت مدیر^۶ جلوگیری کنند (کارتز و اسپنس، ۲۰۱۴؛ گالان‌تر و هندرسون، ۲۰۰۸). در ابتدا، مدیران شانس برای تبدیل به شریک شدن نداشتند، اما اخیراً مسیر ارتقا نیز برای مدیران فراهم شده است که شریک شوند (دائر و همکاران، ۲۰۲۱). شواهد فراهم شده توسط دائر و همکاران (۲۰۲۱) در ارتباط با ویژگی‌های حسابرسان برای شریک شدن در چهار مؤسسه حسابرسی بزرگ آلمان نشان می‌دهد که شرکایی که سرمایه‌نهادی، اقتصادی و اجتماعی بیشتری دارند، به احتمال بیشتری شریک می‌شوند، اما حسابرسان خارجی و زن، شانس کمتری برای شریک شدن دارند.

مرور پیشینه نشان می‌دهد که شواهد ناچیزی در ارتباط با توزیع منافع شرکا در مؤسسات حسابرسی، وجود دارد و پژوهش‌های موجود (کورام و رابینسون، ۲۰۱۷؛ לנוوکس و همکاران، ۲۰۲۰؛ دائر و همکاران، ۲۰۲۱؛ واندهاوت و هاردیس، ۲۰۲۲) هم هر کدام به یک جنبه از این مزایا پرداخته‌اند. به طور دقیق‌تر، بیشتر این پژوهش‌ها به نحوه تعیین این مزایا نپرداخته‌اند، بلکه پیامدهای آنها بر کیفیت حسابرسی را مطالعه کرده‌اند؛ بنابراین، مزایای شرکای حسابرسی، به طور کامل احصاء نشده است و در مورد استراتژی‌های تعیین آن‌ها بین شرکای حسابرسی نیز دانش کمی در دسترس است. بنابراین، با توجه به نبود دانش کافی در زمینه‌ساز و کارهای توزیع منافع بین شرکا به عنوان یکی از ابعاد حاکمیت مؤسسات حسابرسی، با مطالعه ادبیات نظری حاکمیت مؤسسات خدمات حرفه‌ای، اجزای تشکیل‌دهنده منافع شرکا را مطابق نگاره (۱) آرایه شد و با توجه به این که این مطالعه به دنبال کسب بینش‌هایی در این زمینه در مرحله ادغام است؛ پرداختن به دو جز اصلی و منشأ سایر منافع شرکا؛ چگونگی تعیین درصد سهم‌الشرکه و نحوه جبران خدمات و تقسیم سود بین شرکا در فاز ادغام از اهمیت بسزایی برخوردار است چرا که جزء دیگر منافع شرکا؛ ارتقا شرکا مؤسسات حسابرسی در مرحله ادغام اتفاق نمی‌افتد (در سال‌های پس از ادغام مطرح می‌شود). بدین منظور پژوهش حاضر

برای فهم بهتر چگونگی تعیین درصد مالکیت و نحوه جبران خدمات و تقسیم سود بین شرکا از رویکرد کیفی (از طریق مصاحبه با شرکای مؤسسات درگیر در ادغام) بهره خواهد برد.

۳- روش شناسی پژوهش ۳-۱ طرح پژوهش

به‌منظور نیل به اهداف پژوهش، از رویکرد کیفی بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های عمیق با شرکای مؤسسات حسابداری درگیر ادغام در ارتباط با چگونگی توزیع سهم‌الشرکه و جبران خدمات بین شرکا در فاز ادغام بهره‌برده شده است. با مرور پژوهش‌های پیشین در خصوص ابعاد ادغام مؤسسات حسابداری عمدتاً مزایا، موانع و پیامدهای ادغام را برجسته کرده‌اند و عدم بلوغ ادبیات پژوهشی مرتبط با حاکمیت مؤسسات حسابداری و ابعاد آن مشهود است؛ لذا با علم به محدود بودن پژوهش‌های قبلی در این حوزه و ماهیت اکتشافی مطالعه حاضر، از رهنمود مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استاندارد، برای پاسخگویی به سؤال پژوهش خود، مطابق با رویکرد به‌کاررفته در سایر مطالعات کیفی در ادبیات حسابداری استفاده می‌کنیم (مانند، وسترن، بدارد، و ارلی ۲۰۱۵؛ بیلز، هاین، و استین ۲۰۱۸؛ وستیرمن، کوهن و ترومپاتر ۲۰۱۸) و از این رهنمود در مصاحبه با شرکای^۷ مؤسسات درگیر در ادغام، استفاده شد.

مبنای اصلی برای طراحی سؤالات مصاحبه، چارچوب حاکمیت مؤسسات حسابداری که در بخش ۲ بر اساس ادبیات پژوهشی موجود استخراج شده است. این سؤالات طوری طراحی شده‌اند که ما را برای رسیدن به هدف پژوهش، چگونگی توزیع منافع بین شرکا در فاز ادغام یاری رسانند. هم‌چنین به دلیل ماهیت نیمه‌ساختاریافته مصاحبه‌ها، شرکا مجاز بودند خارج از سؤالات هم نظرات و مطالب خود را بیان کنند. سؤالات اصلی مصاحبه شامل ۳ سؤال اصلی و هر سؤال اصلی از چندین سؤال فرعی تشکیل شده است. سؤالات اصلی مصاحبه شامل: سازوکار تعیین سهم‌الشرکه چگونه است؟ تقسیم سود بین شرکا چگونه است؟ سازوکار پرداخت پاداش بین شرکا چگونه است؟ پاسخ‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها در برخی موارد (برخی از مؤسسات همکاری عالی داشته و مدارک و مستندات اضافی مانند اساسنامه و فرم‌های اداری و توافق‌نامه ادغام را در اختیار پژوهشگران قرار دادند) با مستندات تکمیل و تأیید شدند. در نهایت برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، ما از آنالیز محتوا، به دنبال مراحل توصیه شده توسط کروزول (۲۰۰۳، ۲۰۰۵) برای کدگذاری داده‌ها استفاده کردیم.^۸ به‌عبارت‌دیگر، ما بر اساس مضامین مشترکی که در طی مصاحبه‌ها به دست آوردیم، برای هر سؤال کدی ایجاد کردیم. در طول دوره تجزیه و تحلیل، ما متن‌ها را بررسی و بازخوانی کردیم تا ببینیم آیا بینش‌های جدیدی پدیدآمده است (کنو و همکاران ۲۰۱۷) و به ترتیب طرح کدنویسی را به ترتیب تصحیح کردیم (مایلز و همکاران ۲۰۱۴). در نهایت دو پژوهشگر در مورد کدگذاری نهایی توافق کردند. سرانجام، همان‌طور که در راهنماهای انجام پژوهش‌های کیفی پیشنهاد شده است، ما یک نسخه از متن خود در اختیار برخی مصاحبه‌شوندگان قرار دادیم، بنابراین به مصاحبه‌شوندگان اجازه دادیم که اظهارات خود را بیان کنند یا اصلاحات یا توضیحاتی

را در این زمینه انجام دهند (کنو، مک کراکن و سالتیو ۲۰۱۷). چهار نفر از شرکای حسابرسی پاسخ دادند و همه از حمایت‌های جدی برای نتایج گزارش خبر دادند. یکی از مخاطبان اظهار داشت که این گزارش‌ها «فوق‌العاده صادقانه و دقیق» بودند.

۳-۲- گردآوری داده‌ها

این پژوهش مبتنی بر مصاحبه با شرکای مؤسسات مورد مطالعه درگیر در ادغام است. با توجه به هدف پژوهش، مصاحبه‌ها کلاً پس از ادغام، انجام شده‌اند. مطابق جدول (۱) داده‌های ما از طریق مصاحبه‌های عمیق با ۲۸ شریک با سمت‌های مختلف از ۱۱ مؤسسه برآمده از دل ادغام که اغلب پس از ادغام به مؤسسات بزرگ و طبقه اول تبدیل شده‌اند، جمع‌آوری گردیده است. مصاحبه‌ها، تا جایی ادامه یافت که دیگر مصاحبه‌های جدید از مؤسسات ادغامی بیشتر، یافته جدیدی را به پژوهش اضافه نمی‌کرد.

همان‌طور که جدول (۱) نشان می‌دهد، تلاش شده است که ترکیب مصاحبه‌شونده‌ها هم در برگیرنده شرکای مؤسسات ادغام‌کننده و هم شرکای مؤسسات ادغام‌شونده باشد. دفعات مصاحبه‌ها تقریباً یک‌بار بوده به جز دو بار مصاحبه‌ای که با رییس هیئت‌مدیره و مدیرعامل مؤسسه حسابرسی F۱۱، شده است. هم‌چنین در مصاحبه اول، با چهار شریک اصلی مؤسسه مذکور به صورت یک‌جا مصاحبه شده است. تمامی مصاحبه‌ها به جز سه مورد (دو مورد تلفنی، یک مورد هم از طریق ایمیل)، حضوری بوده و به طور میانگین یک ساعت به طول انجامیده است. برای حفظ محرمانه بودن، اطلاعاتی که احتمالاً یک شریک یا مؤسسه را شناسایی می‌کند، ارایه نشده است و تنها به هر مؤسسه بر اساس حروف الفبا یک کد از F۱۱ تا F۱۱ تخصیص داده شده است. هم‌چنین، برای ارتباط نقل‌قول‌های مستقیم انجام شده با خلاصه جدول اطلاعات مربوط به مصاحبه‌ها و مصاحبه‌شونده‌ها، به هر یک شریک به ترتیب کد P۱ تا P۲۸ اختصاص یافته است. به طور مثال، نقل‌قول P۱۲ مربوط به شریک شماره ۱۲ در جدول (۱) است. از ۱۱ مؤسسه‌ای که با شرکای آنها مصاحبه شده است، نه مؤسسه جزء مؤسسات حسابرسی معتمد بورس طبقه اول طبق رتبه‌بندی سال ۱۳۹۹، هستند. در این پژوهش در برخی موارد با چند شریک یک مؤسسه حسابرسی، مصاحبه شده است. اگر نحوه مصاحبه در جدول (۱)، مشترک ذکر شده است، یعنی به طور هم‌زمان چند شریک در مصاحبه شرکت کرده‌اند. اما در برخی موارد هم با چند شریک یک مؤسسه به طور جداگانه مصاحبه شده است که این موارد اغلب برای مؤسساتی بوده است که برخی از شرکا به دلایل مختلفی، مؤسسه را ترک کرده بودند و امکان مصاحبه مشترک وجود نداشت یا بین پاسخ‌های یک شریک و شریک دیگر از همان مؤسسه تناقض وجود داشت که برای رفع تناقض به شریک سوم یا چهارم، برای مصاحبه، مراجعه می‌شد. با توجه به هدف پژوهش مصاحبه‌ها کلاً پس از ادغام انجام شده‌اند. پاسخ تمامی شرکای مصاحبه شده (صدای مصاحبه‌شوندگان) به جز یک مورد (که اجازه ضبط صدا را ندادند)، ضبط شدند. قبل از شروع مصاحبه، از مصاحبه‌شونده اجازه استفاده از دستگاه ضبط گرفته شد. ضبط مصاحبه به تفسیر پاسخ‌ها با کمترین میزان خطا، کمک

می‌کند. علاوه بر این، ما به همه مصاحبه‌شوندگان اطمینان دادیم که پاسخ‌های آنها محرمانه باقی می‌ماند و تمام نقل‌قول‌های مورداستفاده در مقاله تحقیق نهایی عاری از هرگونه اطلاعات شناسایی است. مصاحبه‌های ضبط شده رونویسی، خلاصه و مبنای تجزیه و تحلیل داده‌ها قرار گرفت. برخی از اطلاعات به طور مستقیم از صحبت مصاحبه‌شوندگان نقل‌قول و برخی دیگر از پاسخ‌ها، استنباط شده‌اند. جدول (۲) اطلاعات مربوط به مصاحبه‌ها و مصاحبه‌شونده‌ها را با جزئیات ارائه داده است.

نحوه مستندکردن	مدت انجام مصاحبه - دقیقه	دفعات مصاحبه	کد اختصاص یافته به مؤسسه حسابرسی	کد اختصاص یافته به شرکای مصاحبه شده
ضبط صدا	۵۰ دقیقه	۱	F۱	P۱
ضبط صدا	۶۰ دقیقه	۱	F۲	P۲
ضبط صدا	۵۰ دقیقه	۱	F۲	P۳
ضبط صدا	۶۰ دقیقه	۱	F۲	P۴
ضبط صدا	۶۰ دقیقه	۱	F۲	P۵
ضبط صدا	۳۵ دقیقه	۱	F۳	P۶
ضبط صدا	۴۰ دقیقه	۱	F۳	P۷
ضبط صدا	۴۵ دقیقه	۲	F۳	P۸
ضبط صدا	۵۰ دقیقه	۱	F۴	P۹
ضبط صدا	۷۰ دقیقه	۲	F۴	P۱۰
ضبط صدا	۴۵ دقیقه	۱	F۴	P۱۱
تلفنی	۷۰ دقیقه	۱	F۵	P۱۲
ضبط صدا	۱۱۰ دقیقه	۱	F۵	P۱۳
ضبط صدا	۱۱۰ دقیقه	۱	F۵	P۱۴
ضبط صدا	۸۰ دقیقه	۱	F۵	P۱۵
یادداشت برداری	-	۱	F۵	P۱۶
یادداشت برداری	۷۰ دقیقه	۱	F۵	P۱۷
ضبط صدا	۶۵ دقیقه	۱	F۶	P۱۸
ضبط صدا	۶۰ دقیقه	۱	F۶	P۱۹
ضبط صدا	۳۵ دقیقه	۱	F۶	P۲۰
ضبط صدا	۶۰ دقیقه	۱	F۷	P۲۱
ضبط صدا	۵۰ دقیقه	۱	F۸	P۲۲
ضبط صدا	۶۰ دقیقه	۱	F۹	P۲۳
ضبط صدا	۱۵۰ دقیقه	۱	F۹	P۲۴
ضبط صدا	۷۰ دقیقه	۲	F۱۱	P۲۵
ضبط صدا	۱۰۰ دقیقه	۱	F۱۱	P۲۶
ضبط صدا	۵۰ دقیقه	۱	F۱۱	P۲۷
ضبط صدا	۶۰ دقیقه	۱	F۱۱	P۲۸

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱- بینش‌های حاصل از مصاحبه با شرکای مؤسسات حسابرسی درگیر ادغام

در این بخش با تحلیل بینش‌های حاصل از مصاحبه با شرکای مؤسسات حسابرسی درگیر ادغام به بررسی چگونگی تعیین سهم‌الشرکه و نحوه تعیین پاداش شرکا و چگونگی توزیع سود بین شرکا پرداخته شده است. در بعد سهم‌الشرکه به موضوع چگونگی تعیین درصد و میزان سهم‌الشرکه بین مؤسسات حسابرسی درگیر ادغام و بین شرکای حسابرسی مؤسسات ادغامی پرداخته شده است. همچنین در بعد توزیع منافع، به بررسی سیاست‌های توزیع پاداش شرکا و چگونگی تعیین و تقسیم سود مؤسسه بین شرکا در مرحله ادغام پرداخته شده است. در ادامه سؤالات ذکر می‌شوند. هر سؤال اصلی و سؤالات فرعی مرتبط در قالب یک زیر بخش جداگانه سازماندهی شده است.

۴-۱-۱- چگونگی تعیین سهم‌الشرکه در زمان ادغام

در این قسمت سؤالاتی در مورد چگونگی تعیین سهم‌الشرکه شرکا در زمان ادغام پرسیده شده است. کسب اطلاع از چگونگی تعیین سهم‌الشرکه در شرکت‌های خدمات حرفه‌ای هم از نظر حاکمیتی و هم از بابت اقتصادی (تقسیم سود) اهمیت دارد. از بعد حاکمیتی به نظر می‌رسد که سهم‌الشرکه اهمیت بیشتری داشته باشد. توجه به نحوه تعیین سهم‌الشرکه بسیار جالب و حیاتی است، چرا که در برخی از مؤسسات توزیع منافع مبتنی بر سهم‌الشرکه است؛ بنابراین علت بیشتر ناکامی ادغام در مؤسسات خدمات حرفه‌ای می‌تواند تعیین سهم‌الشرکه‌های غیرشفاف و غیرعادلانه و عدم پذیرش آن از طرف تعدادی از شرکا باشد که نهایتاً در ادامه حیات شرکت ایجاد شده از ادغام را به مخاطره بیندازد. سؤالات و پاسخ شرکای مؤسسات مورد مطالعه در ادامه آورده شده که تجارب و رویه‌های جالبی را با ما به اشتراک می‌گذارد. در این قسمت دو سؤال مطرح شده‌اند: سهم‌الشرکه شرکای مؤسسات ادغام شده در مؤسسه جدید به چه شکلی تعیین می‌شود؟ آیا سهم‌الشرکه یکسان است یا خیر؟ آیا میزان سهم‌الشرکه شرکا در مؤسسه قبل از ادغام، بر درصد سهم‌الشرکه پس از ادغام تأثیرگذار است؟ بینش‌های حاصل از مصاحبه‌ها، در دودسته بندی کلی، تقسیم سهم‌الشرکه در سطح مؤسسات حسابرسی درگیر ادغام و تقسیم سهم‌الشرکه در سطح شرکای حسابرسی، آرایه می‌گردند:

۴-۱-۲- تقسیم سهم‌الشرکه در سطح مؤسسات حسابرسی درگیر ادغام

از ۱۱ مؤسسه ادغامی مورد مطالعه، هشت مورد در ارتباط با چگونگی تقسیم سهم‌الشرکه در سطح مؤسسات حسابرسی درگیر ادغام، مطالبی را به اشتراک گذاشته‌اند که در قالب دو زیربخش آورده شده‌اند:

تقسیم مساوی سهم‌الشرکه بین مؤسسات حسابرسی درگیر ادغام:

مؤسسات حسابرسی F۴، F۶، F۸ و F۹ سهم‌الشرکه را به طور مساوی بین دو مؤسسه درگیر ادغام تقسیم کرده‌اند. به طور نمونه شرکای مؤسسات حسابرسی F۴ و F۶ اظهار داشتند: «چون دو مؤسسه تقریباً از نظر اندازه مساوی بودیم، بنابراین گفتیم هر مؤسسه هر چه شریک

داره بین خودشان ۵۰ درصد شراکت آنها است. یعنی هر نسبتی که شرکا در قبل از ادغام داشتند، حفظ شد. به طور مثال ۵۰ درصد بین شرکای ادغام شونده و به همین ترتیب ۵۰ درصد بعدی هم بین شرکای ادغام کننده توزیع شد».

تخصیص بیشتر سهم‌الشرکه به مؤسسه حسابرسی ادغام کننده:

مؤسسات حسابرسی F۳، F۵، F۱۰ و F۱۱، بیشتر سهم‌الشرکه را به مؤسسه ادغام کننده تخصیص داده‌اند (که با نتایج پژوهش آکسو و دمیرکان (۲۰۱۸) مطابقت دارد). به طور نمونه یکی از شرکای مؤسسه F۱۰ بیان داشت:

«چون مؤسسه ادغام کننده دوبرابر مؤسسه ادغام شونده درآمد داشت؛ بنابراین ۶۶ درصد به آنها تخصیص داده شد و ۳۳ درصد هم به ادغام شونده توزیع شد».

۳-۱-۴ تقسیم سهم‌الشرکه در سطح شرکای حسابرسی در مرحله ادغام

بینش‌های حاصل از مصاحبه‌ها در ارتباط با تقسیم سهم‌الشرکه در سطح شرکای حسابرسی در مرحله ادغام در قالب چهار زیربخش آورده شده است:

تقسیم سهم‌الشرکه بر اساس مدل جامع تعیین سهم‌الشرکه:

مؤسسات حسابرسی F۱ و F۲ سهم‌الشرکه شرکای حسابرسی را در مرحله ادغام بر اساس یک مدل جامعی تخصیص داده‌اند تا عدالت و شفافیت در تخصیص سهم‌الشرکه، وجود داشته باشد. به طور نمونه مدیرعامل مؤسسه F۱ بیان داشت:

«بر اساس مطالعه تجارب و مشورت با خبرگان (ارزیابان حرفه‌ای)، یک مدلی چندمعیاره برای تعیین سهم‌الشرکه نوشته شد و در این مدل سعی کردیم که در چارچوب دستورالعمل شورای عالی جامعه حسابداران رسمی حرکت کنیم. معیارهایی که در مدل گنجانده شده‌اند شامل این بود که شریک مورد ارزیابی تا حالا کجا بوده است؟ چه سوابقی دارد؟ چه ارتباطاتی تو جامعه حسابداران رسمی دارد؟ تو دو دهه قبلی چه کارهایی داشته و فعالیت داشته است؟ آیا در کارگروه‌های جامعه حسابداران رسمی عضویت داشته؟ تو هیئت‌های جامعه حسابداران رسمی یا سایر هیئت‌های مرتبط عضو بوده؟ تو کمیته‌های حسابرسی بوده؟ کارشناس رسمی دادگستری هست؟ چند تا مقاله نوشته؟ سود و زیان پنج سال قبل شریک چقدر بوده؟ سهم‌الشرکه پنج سال قبل در مؤسسه قبلی‌اش چقدر بوده؟ چقدر می‌تواند کار جذب کند؟ برای تعیین سهم‌الشرکه هر یک از شرکا بر اساس این معیارها، به هر یک از معیارها امتیاز داده شد تا به یک عدد کمی دست یابیم و نهایتاً جمع امتیازات کسب شده برای هر شریک، سهم‌الشرکه آن شریک را مشخص می‌کند و در آخر هم سهم‌الشرکه هر یک از شرکا به تصویب مجمع عمومی مؤسس (مجمع ادغام) رسید».

تقسیم سهم‌الشرکه بر اساس سهم‌الشرکه قبل از ادغام هر یک از شرکا:

مؤسسات حسابرسی F۳، F۵، F۹ و F۱۱ سهم‌الشرکه شرکای حسابرسی را در مرحله ادغام به نسبت بر اساس سهم‌الشرکه آن‌ها قبل از ادغام تخصیص داده‌اند. به طور نمونه یکی از شرکای مؤسسه حسابرسی F۱۱ بیان داشت:

«درصد مالکیت قبل از ادغام در هر مؤسسه رعایت شده است. چون ادغام کننده از لحاظ

میانگین مجموع قراردادهای و کارها در طی سه سال گذشته از ادغام شونده بزرگ‌تر بود، بنابراین درصد مالکیت شرکای ادغام‌کننده دوبرابر ادغام‌شونده است. اما درصد مالکیت شرکای در هر مؤسسه نسبت به قبل از ادغام رعایت شده است.»

تقسیم سهام‌الشرکه توسط شرکای اصلی:

فقط در مؤسسه حسابرسی F۷، سهام‌الشرکه شرکای حسابرسی توسط شرکای اصلی تخصیص داده شده است. اکثریت سهام متعلق به جمع قلیلی از شرکای اصلی و اقلیت سهام‌الشرکه متعلق به جمع کثیری از شرکای جوان و غیراصلی است. مدیرعامل مؤسسه حسابرسی F۷ بیان داشت:

«شرکای مهم و شناخته شده با تعداد کار بالا با همدیگر بر اساس یک‌سری معیارها طی جلساتی توافق کردند که شورای راهبردی تشکیل شود و ۷۰ درصد از سهام‌الشرکه مؤسسه جدید به اعضای شورای راهبردی (۵ نفر) تخصیص یافت که لزوماً تمامی شرکای اصلی مؤسسات قبل از ادغام عضو شورا نبودند و مابقی سهام‌الشرکه بین سایر شرکا (۱۷ نفر) مؤسسات درگیر در ادغام توزیع شد.»

تقسیم مساوی سهام‌الشرکه بین شرکا:

فقط در مؤسسه حسابرسی F۸، سهام‌الشرکه به طور مساوی بین شرکا تقسیم شده است. یکی از شرکای مؤسسه حسابرسی F۸ اظهار داشت:

«درصد سهام‌الشرکه به طور مساوی بین شرکای مؤسسات درگیر در ادغام توزیع شد. چون مکانیزم تقسیم سود برای ما درصد مالکیت نیست و مشارکتی کامل هست، لذا درصد مالکیت تأثیر خیلی کمی دارد.»

۴-۲- تقسیم منافع بین شرکا

از آنجایی که در مؤسسات حسابرسی، مالکان (شرکای دارای سهام) علاوه بر سهام‌داران مؤسسه، کارکنان آن نیز هستند، چگونگی تعیین و تقسیم پاداش و سود بین شرکا در مؤسسات حسابرسی می‌تواند چالش‌برانگیز باشد. در این راستا، سؤالات پرسیده شده از شرکای حسابرسی عبارت‌اند از: نحوه تعیین و توزیع سود بین شرکا چگونه است؟ آیا تقسیم سود بخشی از پاداش شرکا است؟ آیا تقسیم سود بین شرکا به طور مساوی است یا بر مبنای سهام‌الشرکه است؟ آیا تقسیم سود بین شرکا بر حسب ساعات کارکرد (مبتنی بر عملکرد) یا بر حسب درآمدی که هر یک از شرکا برای مؤسسه کسب می‌کنند (مبتنی بر عملکرد) یا مبتنی بر رشدیت آنها تعیین و توزیع می‌شود؟ آیا برای تقسیم سود بین شرکا از طرح‌های ترکیبی مبتنی بر سهام‌الشرکه و عملکرد استفاده می‌شود؟ به عبارت دقیق‌تر، چنانچه پاداش شرکا و سود مؤسسه به شیوه‌ای مناسب و شفاف بین شرکا تقسیم نشود، موجب اختلاف شده و نهایتاً ممکن است، موفقیت ادغام مؤسسات را به چالش بکشد. در ادامه بینش‌های حاصل از مصاحبه‌ها در ارتباط با توزیع منافع بین شرکا در مرحله ادغام در قالب چهار زیر‌بخش آورده شده است. بینش‌های حاصل از مصاحبه‌ها در ارتباط با تقسیم سهام‌الشرکه در سطح شرکای حسابرسی در مرحله ادغام در قالب چهار (رویکرد) زیربخش آورده

شده است:

تقسیم سود مبتنی بر سهم‌الشرکه
مؤسسات حسابرسی $F_2, F_4, F_5, F_6, F_{10}, F_{11}$ سود مؤسسه را بر اساس درصد سهم‌الشرکه توزیع می‌کنند. به طور نمونه مدیرعامل مؤسسه (F_4) بیان داشتند:
«شرکا با هم توافق کردیم که حقوق بر اساس همان چیزی که تعیین کردیم، پرداخت شود حتی اگر کسی اضافه‌کار هم بایستد؛ ولی تقسیم سود مؤسسه بر اساس درصد مالکیت هستش». عضو هیئت‌مدیره مؤسسه (F_6) بیان داشت:
«تقسیم سود بر اساس سهم‌الشرکه است».

تقسیم سود مبتنی بر گروه شرکا (فقط برای شرکای اصلی مبتنی بر سهم‌الشرکه است) در مؤسسات حسابرسی F_7 و F_3 برای شرکای اصلی تقسیم سود مبتنی بر سهم‌الشرکه است و برای شرکای غیراصلی تنها حقوق ثابت به آنان پرداخت می‌شود که تقسیم سود مؤسسه را شامل نمی‌شود. شریک مؤسسه F_7 بیان داشت:
«همه شرکا حقوق دریافت می‌کنند و سود برای شرکای اصلی بر اساس درصد مالکیت توزیع می‌شود».

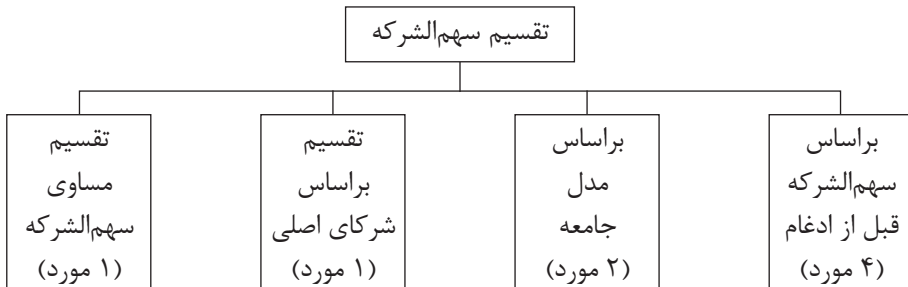
تقسیم سود مبتنی بر طرح ترکیبی
مؤسسات حسابرسی F_1, F_8 و F_5 از این روش استفاده می‌کنند. یعنی سود مؤسسه بر مبنای عملکرد و سهم‌الشرکه بین شرکا توزیع می‌گردد. مدیرعامل مؤسسه F_1 بیان داشت:
«ابتدا تمام حقوق و کارانه (پاداش) در هر برد [بر اساس عملکرد] توزیع می‌شود و ۲۰ درصد سود از هر قرارداد بر اساس درصد سهم‌الشرکه بین شرکا تقسیم می‌شود».

۵. بحث و نتیجه‌گیری

امروزه قانون‌گذاران و نهادهای ناظر به تبع شکست‌های بزرگ حسابرسی، خواستار افزایش بیشتر در مورد حاکمیت داخلی مؤسسات حسابرسی هستند. در این راستا، علاوه بر الزامی شدن گزارش‌های شفافیت مؤسسات حسابرسی در کشورهای پیشرفته، دستورالعمل حاکمیت شرکتی مؤسسات حسابرسی در بریتانیا به تصویب رسیده است. با این حال، ادبیات پژوهشی موجود حاکمیت شرکتی شرکت‌های با مسئولیت محدود (شامل منافع، حقوق کنترلی و پاسخ‌گویی) را نادیده گرفته است و پژوهش‌های نادر موجود نیز هر کدام بر یکی از ابعاد ساختار حاکمیتی مؤسسات حسابرسی، تمرکز کرده‌اند. علاوه بر این، در ارتباط با فرایند ادغام مؤسسات حسابرسی و چگونگی تعیین و توزیع منافع به‌عنوان یکی از اجزای اصلی ساختار حاکمیتی مؤسسات حسابرسی در مرحله ادغام، تقریباً دانشی در دسترس نیست.
تقسیم نامناسب سهم‌الشرکه می‌تواند پایه‌گذار عدم توفیق ادغام و شکست آن باشد. عدم رضایت

شرکا از تقسیم سهم‌الشرکه و توزیع منافع بر اساس آن می‌تواند اختلاف‌ها و تضادها بین شرکا را افزایش دهد و نهایتاً منجر به شکست ادغام گردد. هم‌چنین تقسیم نامناسب سود و پاداش بین شرکای حسابرسی می‌تواند بر انگیزه فردی شرکا، تلاش و بهره‌وری آنها و نهایتاً عملکرد کل مؤسسه حسابرسی لطمه وارد کند؛ بنابراین پژوهش حاضر به دنبال مطالعه چگونگی تعیین و تقسیم سهم‌الشرکه در زمان ادغام و توزیع پاداش و سود بین شرکای این مؤسسات است. بنابراین، پژوهش حاضر از طریق تحلیل بینش‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق با شرکای مؤسسات ادغامی، شواهدی دست‌اول برای فهم بهتر چگونگی تعیین سهم‌الشرکه و تقسیم سود و پاداش بین شرکای مؤسسات حسابرسی ادغامی فراهم آورده است. تحلیل بینش‌های حاصل از مصاحبه‌ها عمیق (۲۸ مصاحبه)، بیانگر آن است که تقسیم سهم‌الشرکه در سطح مؤسسه به دو صورت توزیع می‌گردد به عبارت دیگر زمانی که دو مؤسسه درگیر ادغام شرایط یکسانی دارند، تقسیم سهم‌الشرکه بین دو مؤسسه حسابرسی مساوی است و در غیر این صورت اغلب مؤسسه ادغام‌کننده به‌عنوان مؤسسه بزرگ‌تر (شروع‌کننده ادغام)، درصد سهم‌الشرکه بیشتری را تصاحب می‌کند. مطابق نگاره (۲)، در مورد چگونگی توزیع سهم‌الشرکه در سطح شرکای حسابرسی چهار حالت به ترتیب فراوانی شامل تقسیم سهم‌الشرکه به نسبت درصدهای سهم‌الشرکه قبل از ادغام، بر اساس یک مدل جامع، به طور مساوی و تخصیص اکثریت سهم‌الشرکه با نظر چند شریک اصلی، شناسایی شدند. تاکنون هیچ پژوهشی به مطالعه نحوه تقسیم سهم‌الشرکه در مرحله ادغام مؤسسات حسابرسی نپرداخته است. اما به نظر می‌رسد تقسیم سهم‌الشرکه بر اساس مدل جامع و بر اساس درصد سهم‌الشرکه قبل از ادغام در مؤسسات حسابرسی ایرانی، تا حدودی قابل توجهی با یافته‌های آکسو و دمیرکان (۲۰۱۸) مطابقت داشته باشد. یافته‌های آکسو و دمیرکان (۲۰۱۸) نشان می‌دهد که تقسیم سهم‌الشرکه بر اساس قابلیت‌ها و شایستگی‌های شرکای حسابرسی است به طوری که شرکایی که دوره تصدی طولانی‌تر و نقش راهبردی در مؤسسه حسابرسی خود دارند؛ در مؤسسات چهار بزرگ یا سایر مؤسسات حسابرسی که نیاز به مجوزهای خارجی دارند، فعالیت داشته‌اند؛ سابقه حسابرسی طولانی‌تر، تخصص بیشتر و شهرت حرفه‌ای بیشتر داشته‌اند، سهم مالکیت بیشتری در مؤسسه حسابرسی را تصاحب می‌کنند.

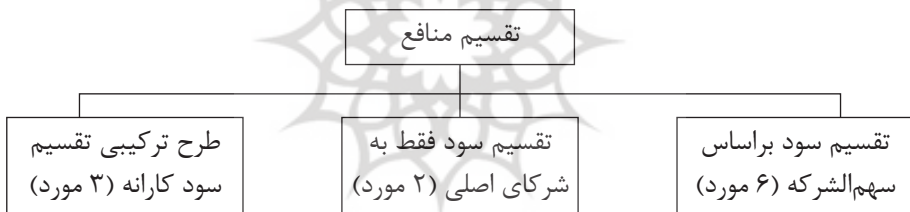
نگاره (۲): تقسیم سهم‌الشرکه در مرحله ادغام



هم چنین، مطابق نگاره (۳) در مورد توزیع منافع، چهار روش به ترتیب فراوانی شامل فقط تقسیم سود بر اساس سهم‌الشرکه برای تمامی شرکا، رویکرد ترکیبی (تقسیم سود بر اساس سهم‌الشرکه و پرداخت پاداش مبتنی بر عملکرد) و تقسیم سود فقط به شرکای اصلی بر اساس سهم‌الشرکه، شناسایی شدند. یافته‌های ما در راستای پژوهش‌های قبلی است. باروز و بلک (۱۹۹۸) و هولمز و زیر (۱۹۹۸) نتیجه‌گیری می‌کنند که سه رویکرد برای تقسیم منافع در یک شراکت وجود دارد: (۱) تقسیم سود میان شرکا، به‌طوری که هریک از شرکای دارای سهم بر مبنای درصد مالکیت خود بخشی از سود مؤسسه را دریافت می‌کنند. این یعنی با تمام شرکا به یک‌شکل یا به طور برابر برخورد می‌شود که معمولاً مبتنی بر طول مدت شراکت فرد در مؤسسه یا ویژگی‌های ثابت دیگر (تقسیم سود ثابت) است؛ (۲) تقسیم سود بر مبنای عملکرد فردی شرکا و (۳) طرح‌های ترکیبی مبتنی بر سهم شرکا، عوامل ثابت و عملکرد.

در مجموع مطابق پاسخ‌های دریافتی از شرکای مصاحبه شده دو مورد از ادغام‌ها واقعی مورد مطالعه در نهایت با شکست مواجه شده است. در یک مورد به طور عمده‌ای نحوه توزیع نامناسب منافع بین شرکا می‌تواند یکی از دلایل اصلی فروپاشی ادغام باشد. ولی در مورد دوم، توزیع منافع عادلانه به نظر می‌رسد و شکست ادغام لزوماً قابل انتساب به توزیع ناعادلانه منافع بین شرکا نیست.

نگاره (۳): توزیع منافع بین شرکا



این مطالعه با باز کردن جعبه سیاه سیستم حاکمیتی مؤسسات حسابرسی در بعد منافع (چگونگی تعیین درصد سهم‌الشرکه و پاداش شرکا و تقسیم سود) می‌تواند دستاوردهای برای مؤسسات حسابرسی و نهادهای ناظر حرفه در راستای ایجاد انگیزه و حفظ شرکای حسابرسی در شراکت حرفه‌ای و نهایتاً موفقیت ادغام فراهم آورد. هم چنین، رویه‌های مختلف تقسیم منافع نه تنها می‌تواند برای مؤسسات حسابرسی در شرف ادغام، چراغ راهی باشد، بلکه می‌تواند توسط مؤسسات غیر ادغامی نیز به‌عنوان الگوی در دسترس، به کار گرفته شود. هم چنین، برای افزایش موفقیت ادغام‌ها و کاهش احتمال شکست، پیشنهاد می‌شود جامعه حسابداران رسمی ایران، الگوی مناسب ادغام مؤسسات حسابرسی را تهیه نماید. الگویی که تمامی مراحل پیش از ادغام، حین ادغام و پس از ادغام را شامل گردد. به‌علاوه، به‌منظور جلوگیری از تضاد بین شرکا که آثار زیان‌باری می‌تواند بر کیفیت حسابرسی و شکست مؤسسه حسابرسی بگذارد، پیشنهاد می‌شود که نهادهای ناظر یک کد حاکمیت شرکتی مؤسسات حسابرسی مانند آنچه که FRC^۱ در بریتانیا اجبار کرده، تجویز شود. به مؤسسات حسابرسی ادغامی پیشنهاد می‌شود الگوهای تقسیم سهم‌الشرکه و منافع

را طوری طراحی کنند که بیشترین انگیزه و عدالت را فراهم کرده که نهایتاً ماحصل آن افزایش عملکرد مؤسسه حسابرسی و نفع آن برای همگان خواهد بود.

این پژوهش پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی در حوزه ادغام مؤسسات حسابرسی، ارایه می‌کند. محققان می‌توانند چگونگی تعیین و توزیع سایر منافع شرکای حسابرسی شامل ارتقا که در این تحقیق جز دامنه تحقیق نبوده (در فاز ادغام مطرح نبود) را مطالعه کنند. هم چنین پیشنهاد می‌شود سایر ابعاد حاکمیت شرکتی که توسط این مطالعه تعریف شده است را با جمع‌آوری داده‌ها بررسی کنند. به‌عنوان مثال محققان می‌توانند حاکمیت شرکتی مؤسسات را از بعد حقوق کنترل بررسی کنند. باتوجه‌به نبود شواهد تجربی کافی در مورد تأثیر هر کدام از رویکردهای تقسیم پاداش شرکا و سود بر کیفیت حسابرسی، پژوهش‌های آتی می‌توانند این شکاف دانشی را تکمیل کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود به دلیل تعداد بالای شکست ادغام‌ها با انجام پژوهش کیفی و مصاحبه با شرکای مؤسسات شکست‌خورده، دلایل شکست ادغام بررسی شود.

پژوهش حاضر از محدودیت‌های مشابه پژوهش‌های کیفی از این دست رنج می‌برد. از محدودیت‌های پژوهش‌های کیفی امکان بروز و دخالت دادن پیش‌فرض‌ها و سوگیری‌های پژوهشگر ممکن است یافته‌ها و نتایج پژوهش را خدشه‌دار نماید که البته در این پژوهش، پژوهشگر تلاش نموده است با در اختیار گذاشتن یک نسخه از متن به برخی از مصاحبه‌شوندگان و امکان بازبینی و انجام اصلاحات توسط آنان، تا حد امکان بدون سوگیری عمل کند و صرفاً اقدام به رصد تجارب شرکا درگیر در ادغام نماید. همچنین پژوهش حاضر رویکرد اکتشافی صرف دارد و از ارایه پیشنهادها کاربردی قوی، بازمانده است. با توجه به این محدودیت، پژوهش‌های آتی می‌توانند با ترکیب داده‌های اولیه و ثانویه رابطه بین انواع سیستم‌های تقسیم سهم شرکتی و تقسیم سود در مؤسسات حسابرسی را با کیفیت و حق‌الزحمه حسابرسی مطالعه کنند.

منابع

- آقایی قهی، علیرضا، یزدانی، شهره و خان‌محمدی، محمد حامد. (۱۳۹۹). تبیین عوامل مؤثر بر اندازه مؤسسات حسابرسی جامعه حسابداران رسمی ایران. پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای. ۱۱(۹۰-۱۱۳)
- ترکانی، شهلا، محمدرضایی، فخرالدین و یعقوب‌نژاد، احمد. (۱۴۰۰). نوع ادغام مؤسسات حسابرسی در ایران: شکلی یا واقعی. دانش حسابرسی. ۲۱(۸۴)، ۳۴۹-۳۸۱.
- رحمانی علی، محمدی اروجه فایزه. (۱۳۹۰). بررسی موانع تشکیل مؤسسات بزرگ در ایران. دانش حسابرسی. ۱۱(۴۵)، ۸۲-۱۰۳.
- کیهانی، حمیدرضا. (۱۳۹۹). ادغام مؤسسات حسابرسی کی؟ چگونه؟ چرا؟ و موانع آن. فصلنامه حسابدار رسمی. شماره ۵۰.
- محامی، ناصر. (۱۳۹۵). ضرورت ادغام مؤسسات حسابرسی، دنیای اقتصاد. ۲۳ آبان‌ماه.
- محمدرضایی، فخرالدین، فرجی، امید و فتاحی دولت‌آبادی، فروزان. (۱۴۰۱). ادغام مؤسسات

حسابرسی و تأخیر در گزارش حسابرسی: بررسی استدلال‌های متناقض. پیشرفت‌های حسابداری. ۱۴(۱)، ۲۷۷-۳۱۰.

Abowd, J. M. (1990). Does performance-based managerial compensation affect corporate performance? *Industrial and Labor Relations Review* 43 (3): 52-73. *Accounting, Business and Finance Journal*, 6 (3): 65-84.

Aghaei, Q.A., Yazdani, S. and Khanmohammadi, M.H. (2021). Explaining the Effective Factors on the Size of the Audit Institutions of the Iranian Association of Certified Public Accountants. *Journal of Professional Auditing Research*. 1(1), 90-113 (In Presian).

Ai, X., Doucet, A., Myers, L. A., & Schmardebeck, R. (2022). Common Auditors in Mergers and Acquisitions: The Impact on Post-Acquisition Financial Reporting Quality and Audit Fees. Available at SSRN 3589811.

Aksu, M and Demir Kan, S. (2018.) Engagement partner attributes and audit quality: Does the partner's ownership stake matter? <https://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3300770>.

Ashkanasy, N. M., and Holmes, S. (1995). "Perceptions of Organizational Ideology Following Merger: A Longitudinal Study of Merging Accounting Firms." *Accounting, Organizations and Society*, 20/1: 19-34.

Australian Securities and Investments Commission (ASIC). (2014). Report 397: Audit inspection program report for 2012-13. Available at: <http://download.asic.gov.au/media/1344614/rep397-published-27-June-2014.pdf> (Accessed 25 January 2015).

Bills, K. L., C. Hayne, and S. E. Stein. (2018). A field study on small accounting firm membership in associations and networks: Implications for audit quality. *The Accounting Review*. (forthcoming). <https://doi.org/10.2308/accr-52003>.

Burke, J. J., Hoitash, R., Hoitash, U., Xiao, S. (2021). The costs and benefits of retirement policies at U.S. audit firms. *Journal of Accounting and Public Policy*, forthcoming.

Burrows, G., and C. Black. (1998). Profit sharing in Australian Big 6 accounting firms: An exploratory study. *Accounting, Organizations and Society* 23 (5): 517-530.

Carter, C., and Spence, C. (2014). Being a successful professional: An exploration of who makes partner in the Big 4. *Contemporary Accounting Research*, 31(4), 949-981.

Choi, J. H., Kim, S., and Raman, K. K. (2017). Did the 1998 merger of Price Waterhouse and Coopers & Lybrand increase audit quality? *Contemporary Accounting Research*, 34(2), 1071-1102.

Christensen, B., Smith, K. W., Wang, D., & Williams, D. (2023). The audit quality effects of small audit firm mergers in the United States. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*.

Coram, P. J., and Robinson. M. J. (2017). Professionalism and Performance Incentives in Accounting Firms. *Accounting Horizons*, 31(1): 103-123.

Creswell, J. (2003). *Research Design*. Thousand Oaks, CA: Sage.

Creswell, J. (2005). *Educational Research*. Upper Saddle River, NJ: Pearson.

DeFond, M., and J. Francis. (2005). Audit research after Sarbanes-Oxley. *Auditing: A Journal of Practice and Theory* 24 (Supplement): 5-30.

DeFond, M., and J. Zhang. (2014). A review of archival auditing research. *Journal of Accounting and Economics* 58(2-3):275-326.

Deumes, R., Schelleman, C., Bauwhede, H.V., and Vanstraelen, A. (2012), "Audit firm governance: Do transparency reports reveal audit quality?", *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 31 (4), 193-214.

Ding, R., and Jia, Y. (2012). Auditor mergers, audit quality and audit fees: Evidence from the PricewaterhouseCoopers merger in the UK. *Journal of Accounting and Public Policy*, 31(1), 69-85.

Downar, B., Ernstberger, J., and Koch, C. (2020) Who makes partner in Big 4 audit firms? - Evidence from Germany. *Accounting, Organizations and Society*, 91, 101176.

Ehlinger, A. (2010). Determinants of the Extent of Disclosure in Transparency Reports According to Article 40 of the 8th Company Law Directive: First Evidence from Austria, Germany and the Netherlands. *The Maastricht Accounting, Auditing & Information Management Research Center*, pp. 46-72.

Empson, L. (2000). Mergers between professional service firms: Exploring an undirected process of integration. In C. Cooper, & A. Gregory (Eds.), *Advances in mergers & acquisitions* (Vol. 1, pp. 205–237). New York: JAI Press.

Empson, L. (2012). Beyond dichotomies: A multi-stage model of governance in professional service firms. In M. Reihlen, & A. Werr (Eds.), *Handbook of research on entrepreneurship in professional service firms* (pp. 274–295). Cheltenham, United Kingdom: Edgar Elgar.

Empson, L. and Chapman, C. (2006). 'Partnership versus corporation: Implications of alternative forms of governance in professional service firms. *Research in the Sociology of Organizations*, 24, 145-176.

European Commission (EC). (2010). Audit policy: Lessons from the crisis. Available at: <http://eurlex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=COM: 2010:0561: FIN: EN:PDF> (Accessed 25 January 2015).

Fairclough, N. C. and Fairclough, S. (2012). *The Oxford handbook of mergers and acquisitions* (pp.593-618), Chapter: 24, Oxford University Press, Editors: David Faulkner, Satu Teerikangas, Richard J. Joseph.

Fontaine, R., Letaifa, B.S., and Herda, D. (2013). An Interview Study to Understand the Reasons Clients Change Audit Firms and the Client's Perceived Value of the Audit Service. *Current Issues in Auditing*, 7(1), 1-14.

Francis, J. R. (2011). A framework for understanding and researching audit quality. *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 30 (2): 125–152.

Fu, Y., (2015), *Transparency Reporting and Partner Remuneration in Australian Audit Firms*, Master Thesis, The University of New South Wales, Australia.

Galanter, M., and Henderson, W. (2008). The elastic tournament: A second transformation of the big law firm. *Stanford Law Review*, 60(6), 1867-1929.

Greenwood, R. and Empson, L. (2003). The professional partnership: Relic or exemplary form of governance? *Organization Studies*, 24(6), 909-933.

Greenwood, R., Hinings, C.R. and Brown, J. (1994). Merging professional service firms. *Organization Science*, 5 (2), 237-259.

Harlacher, D., and Reihlen, M. (2014). Governance of professional service firms: A configuration approach. *Business Research*, 7, 125–160. Doi: 10.1007/s40685-014-0006-8.

He, X., Kothari, S.P.; Xiao, T., and Zuo, L. (2022). Industry-Specific Knowledge Transfer in Audit Firms: Evidence from Audit Firm Mergers in China. *The Accounting Review*. 97(3):249-277.

Holmes, S., and I. Zimmer. 1998. The structure of profit sharing schemes in accounting partnerships. *Accounting and Finance* 38(1):51-70.

Huddart, S. (2013). Discussion of empirical evidence on the implicit determinants of compensation in Big 4 audit partnerships. *Journal of Accounting Research*, 51(2), 389-397.

International Organization of Securities Commissions (IOSCO). (2009). *Transparency of*

Firms That Audit Public Companies. Consultation Report. Available at: <https://www.iosco.org/library/pubdocs/pdf/IOSCOPD302.pdf>

Kenno, S. A., S. A. McCracken, and S. E. Salterio. (2017). Financial reporting interview-based research: a field research primer with an illustrative example. *Behavioral Research in Accounting*, 29 (1): 77-102.

Keyhani, H. (2020). Audit firm mergers: Where? How? Why? And its barriers. *Journal of Certified Accountants*. 50. 27-31. (In Persian)

Kitto, A. R. (2023). The effects of non-Big 4 mergers on audit efficiency and audit market competition. *Journal of Accounting and Economics*, 101618.

Knechel, W., Niemi, L., and Zerni, M. (2013b). Empirical evidence on the implicit determinants of compensation in Big 4 audit partnerships. *Journal of Accounting Research*, 51(2), 349-387.

Kumar, P. & Zattoni, A. (2014). Corporate governance, information, and investor confidence, *Corporate Governance: An International Review*, 6: 437-439.

Lennox, C., Wang, C., and Wu, X. (2020). Opening up the 'Black Box' of Audit Firms: The Effects of Audit Partner Ownership on Audit Adjustments. *Journal of Accounting Research*, 58(5), 1299-1341

Mahami, N. (2016). Necessity of integration of auditing institutions, the world of economics. November 14. (In Persian)

Mallin, C. (2002). The relationship between corporate governance, transparency and financial disclosure, *Corporate Governance: An International Review*, 10: 253-255.

Mellon, E. (1995). Governance. In N. Nicholson (Ed.), *The Blackwell encyclopaedic dictionary of organizational behaviour* (Blackwell encyclopaedia of management). Oxford: Wiley Blackwell.

Miles, M. B., A. M. Huberman, and J. Saldana. (2014). *Qualitative data analysis: a methods sourcebook*. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications, Inc.

Mohammad Rezaei, F. and Mohd-Saleh, N., (2018). Audit report lag: the role of auditor type and increased competition in the audit market. *Accounting and Finance*, 58, 885-920.

Mohammadrezaei, F., Faraji, O. and Fatahi Dolatabadi, F. (2022). Audit Firms' Mergers and Audit Report Lag: Examining Contradictory Arguments, *Journal of Accounting Advances*. 14(1), 277-310 (In Persian)

O'Dwyer, J. N. (1995). Managing law firm mergers. Unpublished PhD Thesis, Western Business School—University of Western Ontario. of the big law firm'. *Stanford Law Review*, 60, 102-164. professional service firm. Paper presented at the Annual Meeting of the Academy of Management.

OECD. (2015). *G20/OECD Principles of Corporate Governance*. Paris: OECD.

Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB). (2009). Auditing Standard No. 7 - Engagement Quality Review and Conforming Amendment to the Board's Interim Quality Control Standards. (Release No. 2009-004). July 28. Washington, D.C.: PCAOB.

Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB). (2011). Improving the Transparency of Audits: Proposed Amendments to PCAOB Auditing Standards and Form 2. PCAOB Release No. 2011- 007. Washington, D.C.: PCAOB. Retrieved from http://pcaobus.org/Rules/Rulemaking/Docket029/PCAOB_Release_2011-007.pdf

Rahmani, A and Mohammadi, O.F. (2011). Examining the obstacles to the establishment of large institutions in Iran. *Journal of Audit Science*. 11(45), 82-103 (In Persian)

Rosa, F. L., Caserio, C., and Bernini, F., (2018). Corporate governance of audit firms: Assessing the usefulness of transparency reports in a Europe wide analysis. *Corporate Governance: An International Review*, 27 (1), 14-32.

Sinkin, J, and Putney, T, (2009). Succession Planning: The Available Strategies and How They Work. *CPA Prac.Mgmt.f.*,5,5.

Torkani, S., MohammadRezaei, F., and Yaghoubnhezah, A. (2021). Types of Audit firm mergers in Iran: Substantive vs. Symbolic, *Journal of Audit Science*, 21 (84), 349-381. (In Presian)

United States Securities and Exchange Commission (SEC). (2002). Sarbanes-Oxley Act Section 201(a). Available at: <http://www.sec.gov/rules/final/33-8183.htm> (accessed 25 January 2015).

Vandenhoute ,M.L., and Hardies, K.(2022).Equity Incentives and Audit Partner Reporting Decisions for Private Company Audits (Working paper). <https://doi.org/10.2139/ssrn.4136402>.

Waldman, M. (1990). Up-or-out contracts: A signaling perspective. *Journal of Labor Economics*, 8(2), 230e250. <https://doi.org/10.1086/298221>

Weßtermann, K. D., J. C. Bedard, and C. E. Earley. 2015). Learning the “craft” of auditing: a dynamic view of auditors’ on the job learning. *Contemporary Accounting Research*, 32(3): 864-896.


Weßtermann, K. D., J. R. Cohen, and G. Trompeter. (2018). PCAOB inspections: Public accounting firms on “trial”. *Contemporary Accounting Research*. Forthcoming. Online early at <https://doi.org/10.1111/1911-3846.12454>.

Wootton C.W., C.M. Wolk, and C. Normand. (2003). An Historical Perspective on Mergers and Acquisitions by Major US Accounting Firms. *Accounting History*, 8(1),25-60.

پی‌نویس:

۱. قانون‌گذاران نگران هستند که آیا نحوه دریافت جبران خدمات شرکای حسابرسی با ارائه حسابرسی باکیفیت بالا، مطابقت دارد (به‌عنوان مثال، کمیسیون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده (SEC ۲۰۰۲) ۱۶ (SEC)، کمیسیون اروپا (EC ۲۰۱۰) ۱۷ (EC) و کمیسیون سرمایه‌گذاری اوراق بهادار و استرالیا (ASIC ۲۰۱۴) ۱۸ (ASIC)).
 2. Financial Reporting Council
 3. Audit Firm Governance Code
 4. Step profit -sharing Schemes
 5. Up- or-Out
 6. Director
 ۷. دیفاند و فرنسیس (۲۰۰۵) و فرنسیس (۲۰۱۱) بر انجام تحقیقات بیشتر در زمینه شرکای حسابرسی تأکید دارند.
۸. مطابق پژوهش‌های از این دست مانند فونتاین و همکاران (۲۰۱۳)، در این پژوهش از نرم‌افزارهای موجود مانند MAXQDA یا NVivo برای تحلیل محتوای مصاحبه‌ها استفاده نکردیم چرا که بپذیری است که نرم‌افزار فقط می‌تواند در سازماندهی و بازیابی داده‌ها و اطلاعات به پژوهشگر کمک کند و به تنهایی نمی‌تواند درباره داده‌ها قضاوت کند. با این حال با بررسی مجموعه این نرم‌افزارها متوجه شدیم که هنوز زبان فارسی را پشتیبانی نمی‌کنند.
۹. برای مشارکت‌کننده‌ای که نمی‌خواست مصاحبه ضبط شود، محقق در طول مصاحبه یادداشت برداری کرد، و یادداشت‌ها قبل از کدگذاری با مصاحبه‌های سایر شرکای همان موسسه مقایسه و تلفیق شد.

10. Financial Reporting Council

 COPYRIGHTS
This is an open access article under the CC-BY 4.0 license.